پیام شهر قزوین

هفته نامه اطلاع رسانی شهرداری قزوین

صاحب امتیاز: شهرداری قزوین

مدیرمسئول: عادله مهرابی

صفحه آرایی و گرافیک: محمد (مرتضی) ملاعلیا

چاپ: موسسه ایران چاپ

آدرس: قزوین، خیابان آیت اله کاشانی (باغ دبیر)، کوچه آزاد، پلاک۲، هفته نامه پیام شهر.

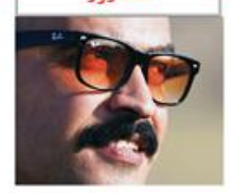
شماره تماس: ۳۳۲۳۱۲۴۱ نمابر: ۳۳۲۳۱۲۴۲

وب سایت: payameshahr.qazvin.ir پست الکترونیکی: payamshahr99@gmail.com

استفاده از مطالب و عکس های نشریه با ذکر منابع آزاد است.

چهار شنبه هشتم آبان ماه ۱۳۹۸ | یکم ربیع الاول ۱۴۴۱ | شماره ۳۵۰ |

نگاه روز



سینما و گمگشتگی

علی حیدری

درونم صحرای غریبی بود،به امیدی در این صحرا راه می‌رفتم تا به واهه‌ای برسم که آبی بنوشم و زیر سایه‌ایی باشم،آدمی ببینم و با او حرف بزنم.

در این خط سیر غریب صدای آوای رمل‌های صحرا گوش نوازترین نوایی بود که می‌شنیدم.

آفتاب حار پوستم را نوازش می‌داد. گاهی بی‌رمق به دوردست می‌نگریستم. دیگر توانی نداشتم و امیدهایی که در کوراب‌های واهی از دست می‌رفت. شب‌های صبرسوز صحرای درونم دیگر امانم را بُریده‌بود.

برای دقایقی چشمانم را بستم و در پشت حجاب چشمانم غرق تصاویر و صداهای عجیب شدم؛ پُر کات‌ترین فیلمی که در ذهنم در حال پخش بود و تا به آن لحظه تماشا می کردم. هیچ چیز خنده دارتر از دیدن عکس «دارن آرونوفسکی» روی دیوار اتاقم نبود. «مرثیه ای برای یک رویا» از آرونوفسکی با آن کات‌های سریع که یکی از فیلم های پر کات سینما به شمار می‌رفت، در مقابل تصاویر پر کات فیلم من هیچ چیز نبود.

اما نه! فرق‌های زیادی هم داشت، در فیلم آرونوفسکی، سارا (الن برستین) برای بازی در آن فیلم نامزد دریافت چندین جایزه از جمله جایزه اسکار بهترین بازیگر زن شد؛ ولی فیلم من یک بازیگر داشت و آن هم تا به حال برنده هیچ جایزه‌ای نشده‌بود و شاید یک بازنده به شمار می آمد.

این فیلم نامزد ورود به فهرست ۱۰۰ فیلم برتر تاریخ سینمای جهان در سال ۲۰۰۷ شد؛ولی فیلم من نه تنها نامزدی نداشت، بلکه هیچ جایی هم پخش نشده‌بود.موسیقی متن این فیلم مورد ستایش منتقدان قرار گرفت؛اما موسیقی فیلم من تنها ۱۰ ثانیه ملال آوراست که برای من معنی زیادی را به همراه دارد.

شاید تاثیر گذارترین اتفاق زندگی من، همان ۱۰ ثانیه ای است که با شنیدنش تمام حس‌های دنیا به من حمله ور شدند. نفرت، کینه، عشق،افسوس، حسرت، دوست داشتن، حسادت.

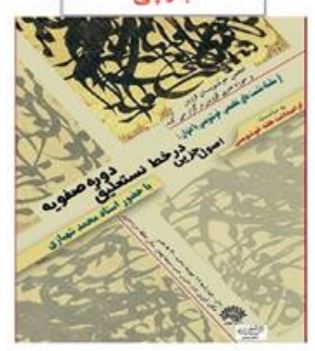
صدای نفس‌هایم وقتی نور خورشید چشمانم را نوازش می‌داد به گوشم رسید. من در این صحرا به دنبال دفینه‌ای بودم که آخرین امیدم بود.

در این ناامیدی و امیدواری چقدر زمان مستور است. خدایم مرا چطور تجربه می کرد!

با ورود به دنیای سینما فهمیدم که سینما همان واحه و امیدی بود که مرا راهی این صحرا کرد. حالا برای من احساساتم رنگ و بویی خاص دارد و همه چیز در پیرامونم پر از داستان‌های شیرین و تلخی است که مرا وسوسه می کند برای اینکه بنویسم.

معنی سینما از نگاه من؛ یعنی امید و هدف. شاید یک روزی اتفاق بیافتد،شاید!

جارچی



• همزمان با هفته‌ی خوشنویسی حیدر موسوی، رئیس انجمن خوشنویسان قزوین به مناسبت سلسله نشست‌های تخصصی انجمن خوشنویسان ایران در مراکز استان‌ها دراستان گیلان حضور پیدا کرد. در این نشست علی اشرف صندوق آبادی هم حضور داشت. در این نشست موضوع ترکیب بندی در سیاه مشق بررسی شد.



• مهدی تیموری، نوازنده قزوینی به همراه محمد معتمدی به مناسبت روز حافظ در حافظیه شیراز اجرای زنده داشت. در این مراسم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم حضور داشت.

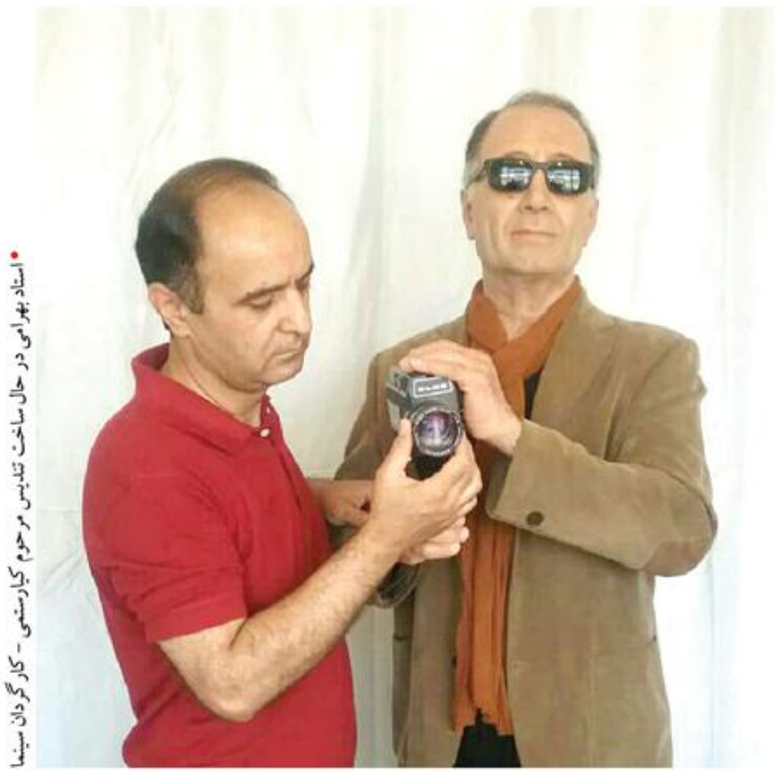
گپ

اگر گذرتان به موزه مردم شناسی حمام قجر افتاده‌باشد، حتما هنر دست اصیل و ارزشمند خالق مجسمه‌های موزه،در نگاه‌تان متفاوت آمده و نظرتان را جلب کرده‌است. مجسمه‌هایی که آنقدر با جزییات طبیعی ساخته شده‌اند که گویی با شما سخن می گویند. خالق این آثار فاخر مجسمه ساز زبردست قزوینی، محمد بهرامی است. او متولد ۱۳۵۰ در قزوین است و در سال ۱۳۷۱ جزو اولین دانشجویان رشته مجسمه سازی دانشکده هنرهای زیبا بوده‌است. سپس در رشته پژوهش هنر در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه هنر تهران ادامه می‌دهد و از سال ۱۳۸۰ به بعد در این دانشکده‌ها و دانشگاه آزاد تدریس می کند. این هنرمند فرهیخته عضو پیوسته انجمن هنرمندان مجسمه ساز ایران، عضو هیئت علمی کمسیون برنامه‌ریزی رشته مجسمه‌سازی وزارت آموزش وپرورش است و تاکنون در جشنواره‌های داخلی و خارجی بسیاری حضور داشته و همچنین مجسمه‌های بسیاری را در شهرهای مختلف ایران طراحی و اجرا کرده‌است.

گل‌اندام صفری

مجسمه ساز زبردست قزوینی از همه احوال هنرش می‌گوید

مجسمه؛ مرهم زخم‌های شهر



• استاد بهرامی در حال ساخت تندیس مرحوم کیارستمی - کارگردان سینما

● چه شد که به سمت این هنر آمدید؟

نوجوان که بودم بیشتر اوقات سر گرمی‌ام را مشغول نقاشی و خوشنویسی بودم. خوشبختانه برخلاف بسیاری از خانواده‌ها هنگام انتخاب رشته کاری و شغلی هنری با مخالفت خانواده روبرو نشدم. ترجیح می‌دادم که در یکی از رشته‌های نقاشی، گرافیک یا مجسمه سازی تحصیل کنم؛ اما در ادامه علاقه‌ام به مجسمه سازی و دنیای گسترده آن زیاد شد.

● از آن روز که به شکل جدی این هنر را به عنوان شغل انتخاب کردید تا به امروز بر سر راهتان موانعی وجود داشته که شما را خسته کرده باشد؟

موانع موجود بر سر راه این هنر گذشته از سبقه‌ی تاریخی آن به فرهنگ و فولکلور جامعه هم مرتبط است. به‌طور کلی هنرهای تجسمی و به ویژه مجسمه‌سازی در فرهنگ عامه ما به دلایل مختلف با اقبال کمتری مواجه بوده‌است؛اما این هنر در کنار معماری به واقع پایه و رکن تاریخ و سند میراث فرهنگی بوده‌است.امروز هم در معماری، شهرسازی و حتی زندگی روزمره، جایگاه واقعی این هنر به درستی ترسیم نشده‌است.

● چه دیدگاهی نسبت به این رشته در دانشگاه دارید؟ آیا تحصیل این رشته در دانشگاه ضرورت دارد؟

در دانشگاه جامعیتی از فرم و محتوا در این هنر آموزش داده می‌شود. کلاس‌ها به صورت مباحثه، تمرین و تعامل برگزار می‌شود. تعدد اساتید و نگرش‌های متنوع آن‌ها سبب می‌شود که آثار هیچ یک از دانشجویان شبیه به هم نشود و هر کدام سبک شخصی خود را دنبال کنند. با این حال تحصیل در دانشگاه دلیل بر هنرمند بودن نیست؛ بلکه فعالیت مستمر تمرین ومطالعه مداوم در کنار آموزش دانشگاه می‌تواند به رشد و خلاقیت هنرمند بینجامد.

● شما متولد قزوین هستید؛ اما آثار چندانی در این شهر از شما وجود ندارد.

به لطف خدا و اعتماد شهرداری‌های شهرهای مختلف، چند مجسمه شهری را در شهرهای تهران، مشهد، شیراز، اصفهان و قزوین اجرا کرده‌ام که صرف نظر از مشکلات خاص کار در شهرستان، تجربه‌های گرانبهایی مثل مردم شناسی برایم فراهم کرد. در قزوین هم با توجه به پس زمینه فرهنگی آن دلم می‌خواهد آثار ماندگاری طراحی و اجرا کنم که متاسفانه تاکنون نتیجه‌ای در بر نداشته و امیدی هم به حصول آن متصور نیست.

● وضعیت این هنر را در قزوین چگونه می‌بینید، اصلا به این هنر توجه شده‌است؟

قزوین با سابقه نسبتا غنی در فرهنگ و هنر در طول قرون گذشته متاسفانه در حال حاضر چندان جایگاه مورد استناد و محکمی ندارد. گذشته از استثناها، روند رو به رشد و متکثر در هنر تجسمی قزوین دیده نمی‌شود. چنانچه مکررا به ضرورت ایجاد دانشگاه هنر تاکید شده، اما با تاکید چندین باره، تاسیس این دانشگاه در شهر تاریخی قزوین ضرورت دارد. در اهمیت این دانشگاه همین بس که تردد اساتید و هنرمندان طراز اول کشور وبه تبع آن تحقیقات و پژوهش‌ها و پروژه‌های هنری در قزوین می‌تواند روح تازه در فرهنگ و هنر این شهر بدمد و در زمینه‌های هنری مختلف فرصت‌های خوبی برای شهر ایجاد کند که متاسفانه این نیاز اساسی را مسئولان ذیربط احساس نکرده‌اند.

● فکر می‌کنید کسانی که به مجسمه سازی علاقه‌مندان چه مسیری را می‌توانند طی کنند؟

برای علاقه‌مندان به این رشته مثل هر شغل و هنر دیگری آموزش و فراگیری اصول،تکنیک و زبان مجسمه سازی لازم است. گذراندن دوره آموزش چه در دانشگاه و چه در آموزشگاه‌های آزاد زیر نظر اساتید حرفه‌ای باعث رشد و پیشرفت هنرآموز می‌شود. در کنار آن بسیار دیدن، شنیدن و خواندن مطالب و مباحث از ضروریات اجتناب ناپذیر است. در قزوین در حال حاضر فضای حرفه‌ای برای یادگیری مجسمه سازی وجود ندارد و اگر هنرمندانی در این رشته مشغول به فعالیت هستند، در کارگاه شخصی شان کار می کنند.

● مجسمه سازی شهری چه نقشی در مدیریت شهری ایفا می کند؟

مجسمه شهری در ایران، پدیده‌ای مدرن و حاصل شهرسازی نوین است. شهرسازی ماشین محور باعث ایجاد فلکه و خیابان‌هایی شده که فضاهای خالی و بی‌هویت باقی گذاشته‌است. برای همین، مجسمه‌ها و المان‌های شهری، نقش ترمیم کنندگی این آسیب‌ها را برعهده گرفت. ایجاد حس تعلق،خاطره،پیام،تغزل،شعر،شعار، حماسه و... همراه با زیبایی بصری و معنایی و منظر متنوع شهری برعهده هنر شهری است. مجسمه شهری می‌تواند تاریخ یک ملت را یادآوری کند. در شلوغی، ترافیک،تنش‌ها و روزمرگی‌ها نقش بازدم و تنفس محسوب شود. خشونت‌های بصری یک شهر را تلطیف کند و در ازدحام پرتنش عصر مدرن همچون شاخه گلی زیبا به شهروندان هدیه شود.

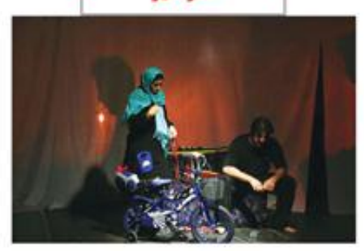
● کدام یک از آثارتان را بیشتر از بقیه دوست دارید؟

بنا به قول بزرگی،من هنوز بهترین کارم را نساخته‌ام و امیدوارم که در آینده بتوانم کارهای ارزنده‌تر انجام دهم؛ اما از آثاری که تاکنون خلق کرده‌ام، یادمان شهدای وزارت ارشاد، المان غدیر اصفهان و المان «رها شو» در تهران را بیشتر دوست دارم. در آثار فیگوراتیو هم مجموعه مجسمه‌های موزه مردم شناسی حمام قجر قزوین و تندیس استاد کیارستمی در موزه مشاهیر تهران زمان و انرژی بیشتری برده‌است.

● مجسمه سازی برای شما چه تجربه فوق العاده‌ای داشته‌است؟

هنر در هر شاخه و گونه‌اش دارای جذابیت‌هایی است که بیشتر ذائقه‌ها و روحیات را مجذوب خود می‌سازد. در این میان هنرمند است که با عشق،علاقه،تمرین و کوشش مستمر می‌تواند به خلق یک اثر هنری نایل شود و در این مکاشفه لذت هم ببرد. این لذت کاملا شخصی و به میزان حساسیت روحیه و درک و فهم و ارتباط هنرمند با اثر هنری مرتبط است. برای من هم مراتب شکل گیری یک مجسمه از مرحله ایده تا اجرا توام با مشقات و رنج‌های روند کار، لذت بخش و جذاب بوده‌است.

تئاتر شهر



بیم‌ها و امیدهای تئاتردر آستانه برگزاری جشنواره استانی

کیوان حبیبی

اگر جشنواره تئاتر استانی را بر آیند و ویترین یکساله تئاتر در سطح استان بدانیم،هرچقدر به برگزاری جشنواره که در پایان آبان ماه نو و هشت و در شهر قزوین است، نزدیک‌تر می‌شویم، شور و اشتیاق خانواده تئاتر برای به صحنه بردن نمایش‌های خود که از پس تمرین مستمر بیرون می آید، بسیار دیدنی می‌شود. از ابتدای مهرماه تا بیست و چهارم آبان ماه که آغاز جشنواره است،اجرای شش نمایش در شهر قزوین، دو نمایش در آبیک،یک نمایش در تاکستان و سه نمایش در محمدیه چراغ تئاتر سالن‌های استان را روشن خواهد کرد.

جای بسی خوشحالی است که گروه‌های مختلف اجرایی درگیر آماده سازی تولیدات تازه‌ی خود هستند، ازسویی دیگر باید به پایان برگزاری جشنواره هم اشاره کرد؛ چراکه پس از پایان جشنواره به طور معمول رکودی در اجراهای عمومی نمایش‌های استان اتفاق می‌افتد که این عامل جریان خوبی برای رشد و نمو تئاتر استان نیست؛ چراکه از آغاز شکل گیری تئاتر، هدف از تولید ارتباط با مخاطبی است که از این کالای فرهنگی استقبال می کند. از طرف دیگر تولید بدون محتوا و کیفیت خود عاملی برای پس زدن مخاطب از سالن‌های تئاتر است. پس آموزش صحیح، پژوهش و آفرینش یک اثر با کیفیت، سه رکن اساسی ارتقا هنر تئاتر محسوب می‌شود.



جای نگرانی است که افراد علاقه‌مند به تئاتر که برای رشد خویش به دانشگاه‌های معتبر کشور به خصوص تهران مهاجرت می کنند، پس از پایان تحصیلات خویش به دلیل نبود زیرساخت مناسب برای اجرای یک تئاتر، دیگر حاضر به بازگشت به دیار خویش نیستند و همین عامل فضای تئاتر استان را از وجود نیروهای متخصص خالی می کند و تماشاگر علاقه مند هم با یک اثر زنده و پویا مواجه نمی‌شود.

اگر به تولیدات یکسال گذشته‌ی تئاتر استان رجوع کنیم، مشاهده خواهیم کرد که آثار بسیار انگشت شماری قابلیت توجه و دیدن را دارا هستند؛ اما یکی از عوامل افت اجراهای سطح استان تنوع نمایشی ضعیف و یا غلط است که معمولا گروه اجرایی را با وجود تمرین مستمر به بیراهه می کشاند. پس بسیار مناسب است که خانواده تئاتر استان مطالعه متون نمایشی استاندارد داخلی و خارجی را فراموش نکند؛ چراکه هنرمند تئاتر تنها با مطالعه جانانه و تلاش بی‌وقفه می‌تواند رشد و بالندگی خود را مشاهده کند.

جای بسی امیدواری است که تعداد علاقه‌مندان به تئاتر در حال افزایش است؛ اما از آن سو هم باید از مدیران فرهنگی درخواست کرد که وسعت زیرساخت‌های تئاتر را افزایش داده و برای هزارمین بار به آن‌ها گوشزد کرد که به فکر تخصیص یک بودجه مناسب، شایسته و درخور هنرمندان و خانواده بزرگ تئاتر باشند؛ زیراهنر تئاتر بدون حمایت مدیران قطع به یقین به بیراهه خواهد رفت.

گذر و منظر



● احسان میرزایی

متولد قزوین، دانش آموخته کارشناسی رشته کامپیوتر است. او از هنرجویان انجمن سینمای جوان قزوین بوده و به عکاسی، تدوین و فیلمسازی مشغول است.

میرزایی همچنین به عنوان تصویربردار باشگاه خبرنگاران جوان استان قزوین نیز فعالیت می کند.



نگارخانه شهر

نسیم هنر

محمد اسدی

نسیمی در هوای هنر تجسمی شهر وزیده‌است: کانون هنر شهری انجمن هنرهای تجسمی استان قزوین تشکیل شد.

در شهرسازی نوین امروز به هنر شهری اهمیت بسیار زیادی می‌دهند و شهرسازان در تلاش‌اند که با ایجاد طراحی‌های مناسب و استفاده از هنر، شهری آرام و دلنشین را برای شهروندان بسازند. با توجه به اهمیت این موضوع در مدیریت شهری، حضور هنرمندان و استفاده از آثار هنری آن‌ها دیگر به یک امر جدایی ناپذیر از مدیریت شهری تبدیل شده‌است.

در چند ماه گذشته انجمن هنرهای تجسمی استان قزوین تصمیم به تشکیل کمیته‌های تخصصی خود در رشته‌های مختلف داشت که یکی از این کانون‌ها، کانون هنر شهری است.

سازمان زیباسازی شهرداری قزوین به عنوان متولی اصلی اجرای هنرهای شهری و منظر و مبلمان شهری در پیشبرد برنامه‌های خود، همواره از توانایی هنرمندان به ویژه هنرمندان استان قزوین بهره می‌برد. با تشکیل این کانون و همکاری و حمایت سازمان زیباسازی شهرداری قزوین، می‌توانیم امیدوار باشیم در منظر شهری اتفاقات خوبی بیفتد.

کانون هنرهای شهری که متشکل از آقایان محمد جمالی، مجید جلیلی کیا، صادق بابایی به عنوان دبیر کانون وخانم‌ها حمیده سبحانی‌فر و سمیرا طیبا است، کار خود را از اوایل مهرماه با برگزاری چند جلسه آغاز کرده‌اند.

با توجه به ضرورت اثربخشی هنر در مدیریت شهری، با تعامل هرچه بیشتر سازمان زیباسازی و سازمان ذیربط دیگر با کانون هنر شهری می‌توانیم شاهد اتفاق‌های بیشتر و بهتر باشیم تا این کانون بتواند پل ارتباطی مناسبی بین هنرمندان هنرهای شهری و سازمان زیباسازی شهرداری باشد.

شعرانه



نامه به مادر

به یاد سهراب سپهری در زادروزش

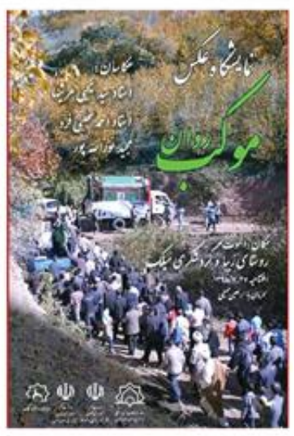
مادر عزیزم! پریشب با هواپیما وارد شدم؛ یعنی شب عید به خاک هندوستان رسیدم. در توکیو بالاخره توانستم یک سفر بروم به کیوتو و نارا. این دو شهر سابقاً پایتخت ژاپن بوده‌اند. بهترین آثار هنری در همین دو شهر است. بدون دیدن آن‌ها انگار ژاپن را ندیده‌ام. یک سفر هم رفتم به کاماکورا که از تو کیو دور نیست. خلاصه ژاپن را آنطور که می‌خواستم دیدم. قصد من این است که سه ماه در هند بمانم. بعد از راه کشمیر و پاکستان و افغانستان به ایران می آیم. خوشبختانه به ایران نزدیک شده‌ام. اولا این نامه زود می‌رسد؛ ثانیاً از راه هوا یا زمین مسافرت آسان است. با هواپیمای جت تا تهران ۳ ساعت راه است؛ بنابراین غصه‌ای ندارد. تا پول هست می‌شود ماند، اما راجع به این سرزمین هنوز چیزی نمی‌توانم بنویسم؛ چون بیش از یک روز نیست که در اینجا هستم. دهلی شهر بزرگی است. دیروز همه‌اش در شهر گشتم. هیچ کجا به این اندازه باغ‌های بزرگ ندیده‌ام. خیال دارم دوچرخه کرایه کنم و همه جا را بگردم. اینجا همه سرخیز هستند، حتی گنجشک‌ها. صبح هنوز هوا تاریک بود که گنجشک‌ها جیرجیر می‌کردند. رنگ کلاغ‌ها یکمی با رنگ کلاغ‌های ما فرق دارد؛ یعنی سر آنها دم به بنفشی می‌زند. البته مهم نیست، باید کمی گذشت داشت. یک موش الان دارد وسط اتاق راه می‌رود. اینجا موجودات عجیب و غریب پیدا می‌شود. مار فراوان است؛ ولی من هنوز ندیده‌ام. گاوها وسط کوچه و خیابان هستند و هیچ کس حق ندارد آن‌ها را کنار بزند. دهلی قدیم وضع بسیار بدی دارد، به قدری مردم بدبخت و گرسنه و مریض هستند که تماشای آن‌ها اسفناک است. الان صبحانه آوردند و من خوردم. این کارها فداکاری لازم دارد.

باری، من خیال دارم یک چند وقتی در اینجا بمانم. من با جدیت مشغول یاد گرفتن انگلیسی هستم؛ چون بدون دانستن این زبان نمی‌شود در اینجا زندگی کرد. شاید یک اکسپوزیسیون ترتیب بدهم. امروز می‌روم چند گالری را ببینم.

جارچی



• کتاب «ماتمکده» با مقدمه تصحیح و توضیح حمید عابدی‌ها با حضور استاد مهدی محقق، در بلوار پرستار تالار کتابخانه امام خمینی (ره) رونمایی شد.



• همزمان با اربعین حسینی نمایشگاه عکس «موکب روان» در رودبارالموت، روستای گردشگری میلک افتتاح شد. در این نمایشگاه آثار عکاسانی همچون سید یحیی عرشی‌ها، احمد سعلیی‌فرد و مجید نوراللهپور در معرض دید عموم قرار گرفت.